



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۱۸

رفعت حسینی

دروغپردازی ها در پیرامون بوعلی سینا

درباره ابن سینای مشهور ساخته شده به بلخی، تنها یک دروغ پرداخته نشده بل پرونده بی از دروغ های فجیع (مصیبت بار، ناگوار، هولناک)، از گذشته ها تاکنون، در ایران و در جغرافیای لسان پارسی، سازماندهی گردیده است .
در هیچ کتابی، چاپ شده در باره فلسفه و طبی، در کشورهای متمدن اروپا و امریکا، از تدریس آثار و افکار بوعلی سینا در پوهنتون های کشورهای متمدن اروپا و امریکا تذکری داده نشده است .
اگرگاهی احیاناً نام ابن سینا در کتابی آمده باشد، دلیلی بر فخامت و یگانگی افکار بوعلی سینا نیست. در کشورهای پیشرفته، روش پژوهش علمی وجود داشته است درباره دانش و دانشوران در تمامی سرزمینها در پنج قاره. بس و خلاص.
شمه بی ازین چالبافی و کلمه پرانی و لفاظی مستهجن را (تاختم این متن) بخوانید تا بدانید که ده درکجا و درختان در کجاست؟
جاهایی را که درین نیسته، قصدی، مشخص ساخته ام دقت بیشتر نمایید.
ونگارنده این متن پاسخگوی هر واژه میباشد.

//

تدریس آثار بوعلی سینا در اروپا در گذشته و امروز افتضاح و ناراستین است.

در اساس او بلخی هم نیست . در وبسایت <خبرگزاری مهر> بیشتر از مطالب نامستند و موضوعات وابسته به لفاظی از ابن سینا [تصویرسازی و خیال پردازی] شده است.

در {روایت !} آمده است که اساساً پدرش از مردمان حوزه بلخ بوده است. ولی زندگی او بحیث بخارایی عقلا نیست.

همچنان در {روایت !} آمده است که بوعلی در هفده سالگی [سرآمد !!!] درهمه {علوم} عصر خود شد! حالا هیچ هویدا نیست که این علوم عصر او (۳۹۰ هجری قمری) کدام علوم بوده که وی در تمامی «سرآمد!» «» بوده است؟؟!.....

و نیز در وبسایت <خبرآنلاین> از تدریس خیالی و وهمی و غیرحقیقی آثار بوعلی در امریکا اشاره شده است.

همه این وبسایت ها را میشود در انترنت کشود و به لغت پردازیهها (شبیبه شعر) روبرو شد و پی برد که بوعلی را با پروپاگند دایمی مشهور و بزرگ ساخته اند.

در برابر این نگاهشته این نگارنده (رفعت حسینی)، اگر سخنی عقلانی و البته مستند وجود داشته باشد، بنویسد و منت گزارید.

در پایین نوشته هایی از برخی وبسایت ها نقل شده است. از من نیست.

در سایت < باشگاه خبرنگاران دانشجویی ایران > می خوانید:

«به گزارش خبرنگار سرویس دانشگاه خیرگزاری ایسکانیوز، روز گذشته در مراسمی از جدیدترین کتاب های دکتر علی اکبر ولایتی رئیس هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی، به نام «طبی در ایران پیش از اسلام و جندی شاپور» در سالن شهید غرضی بیمارستان میلاد تهران؛ با حضور رئیس هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر فرهاد رهبر رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر نوریخس رئیس سازمان تامین اجتماعی، دکتر نفر معاون علوم طبی دانشگاه آزاد، دکتر ابطحی و دیگر شخصیت های علمی و اجرایی رونمایی شد.

رئیس هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی در ابتدا با تبریک پزشکان خصوصا پزشکان حاضر در مراسم گفت: مصادف شدن روز پزشک با تولد بزرگترین دانشمند تاریخ اسلام، ایران و جهان بسیار ارزنده است؛

ابن سینا دانشمندی است که کتابهایش جهان علم و طبی را تحت تاثیر قرار داده است و بنده همچین دانشمندی را در دنیا سراغ ندارم.

ولایتی با اشاره به کتاب قانون ابوعلی سینا افزود: 600 سال کتاب قانون این دانشمند در مجامع طبی اروپا و شرق اسلامی و تدریس می شد و حتی تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در یکی از دانشگاه های کشور فرانسه کتاب قانون تدریس می شد.

////

«خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه:

ابو علی سینا حکیم، فیلسوف، طبیب و دانشمند بزرگ ایرانی که در جهان غرب به "امیر پزشکان" شناخته شده است، در ماه صفر سال 370 هجری قمری در شهر بخارا به دنیا آمد و رمضان سال 428 هجری قمری درگذشت.

زمان درگذشت ابن سینا دوم یا اول رمضان ذکر شده است .

شرف الملک حجت الحق شیخ ابوعلی، حسین عبدالله بن حسن بن علی بن سینا معروف به ابن سینا یا بوعلی سینا، بزرگترین دانشمند ایران و سرآمد حکما و اطبا در ادوار اسلامی و مشهور در سراسر دنیاست که سهمی عظیم در ترقی و تکامل علم در جهان داشته است.»

سالروز درگذشت ابن سینا/

گذری بر زندگی ابن سینا/ تدریس شفا و قانون در اروپا

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه:

ابو علی سینا حکیم، فیلسوف، طبیب و دانشمند بزرگ ایرانی که در جهان غرب به "امیر پزشکان" شناخته شده است، در ماه صفر سال 370 هجری قمری در شهر بخارا به دنیا آمد و رمضان سال 428 هجری قمری درگذشت.

زمان درگذشت ابن سینا دوم یا اول رمضان ذکر شده است .

پدرش از مردم بلخ و اسماعیلی بود. بوعلی در عهد سلطنت نوح بن منصور به بخارا منتقل شد و امور مالی قریه خرمیثن را بر عهده گرفت. در نزدیکی قریه خرمیثن، دهی بود به نام "افشنه" که عبدالله در آن زنی گرفت به نام "ستاره" که از وی حسین در اول شهریور 359 هجری شمسی برابر با سوم صفر سال 370 هجری قمری و فرزند دیگری به نام محمود متولد شدند.

آغاز فراگیری علم

پس از ولادت محمود، هنگامی که حسین 5 ساله بود عبدالله دوباره به بخارا برگشت و پسرانش در آنجا پرورش یافتند و از آنجا که پدرش عبدالله سخت در تعلیم و تربیت او می کوشید و خانه او

محل ملاقات دانشمندان دور و نزدیک بود، ابن سینا تا ده سالگی تمام قرآن و صرف و نحو را آموخت و آنگاه به فرا گرفتن منطق و ریاضیات پرداخت. هنگامی که "ابوعبدالله ناتلی" حکیم و فیلسوف و شاگرد "ابوالفرج بن الطیب" به بخارا آمد با اصرار پدر، حسین را برای آموزش علم ریاضیات پذیرفت. حسین فلسفه را نزد او شروع کرد. حسین پس از آن که در علم منطق مطالبی از استاد آموخت شخصاً به تحقیق و تشریح آن پرداخت تا در آن علم سرآمد شد. در همین حال به تحصیل و تجربه علم طب و درمان بیماران و کشف درمان‌های جدید مشغول بود و در عین حال از آموختن فقه و مناظره در آن کوتاهی نمی‌کرد.

ابن سینا دانشمندی که در 17 سالگی استاد تمام علوم زمان خویش شد
بدین ترتیب در سن هفده سالگی در تمام علوم زمان خود استاد شد و شهرت او در بخارا فراگیر گردید به‌ویژه در علم طب که اطبای بزرگ بخارا از درمان‌های قاطع این پزشک جوان شگفت‌زده بودند و در محضر او برای تلمذ حاضر می‌شدند. در اواخر عمر خود یکبار به شاگرد مورد توجه خویش، جوزانی گفت که در تمام مدت عمر، چیزی بیش از آنچه که در هجده سالگی می‌دانسته، نیاموخته است.

در این زمان، نوح بن منصور سامانی بیمار شد و پزشکان درباری از درمان او عاجز گشتند. به سراغ ابن سینا فرستادند و او با معالجه مالیخولیای امیر به روشی شایسته، نزد وی مقام و منزلتی ارجمند یافت و ابن سینا در ازای این خدمت اجازه استفاده از کتابخانه دربار سامانیان را خواست که امیر آن را پذیرفت. بوعلی درباره عظمت این کتابخانه شرحی نگاشته است. بوعلی در سن 22 سالگی پدر را از دست داد و چون کار سامانیان با حمله محمود غزنوی رو به افول گذاشت آنجا را ترک کرد و به "گرگانج" نزد خوارزمشاه رفت و در آنجا با دانشمندی همچون ابوریحان بیرونی، ابوسهل مسیحی و ابونصر عراقی معاشرت کرد. در سال 403 هجری قمری، پس از پشت سر گذاشتن سختیها و مشکلات بزرگی که در این سفر با آن‌ها مواجه شد و حتی چند تن از دوستانش را در میان راه از دست داد، از کویر شمال خراسان عبور کرد.

دیدار با ابوسعید ابوالخیر

بنا به گفته منابع معتبر، ابن سینا در این سفر با عارف و شاعر مشهور "ابوسعید ابوالخیر" ملاقات کرد. وی آرزو داشت که "قابوس بن وشمگیر" را که حامی نامدار علم و ادب بود، در جرجان ببیند؛ ولی هنگامی که به جرجان رسید، قابوس بن وشمگیر از دنیا رفته بود. چون از این حادثه دلشکسته شد، مدت چندین سال در دهکده ای عزلت گزید. سپس در فاصله سال 405 و 406 هجری قمری به ری رفت.

در این هنگام آل بویه بر ایران فرمانروایی داشتند و افرادی از این خاندان در ایالات مختلف حکومت می‌کردند. ابن سینا مدتی در دربار فخرالدوله در ری درنگ کرد و سپس از آنجا برای دیدار یکی دیگر از فرمانروایان این خاندان، شمس‌الدوله به جانب همدان به راه افتاد.

وزارت ابن سینا در حاکمیت آل بویه

این سفر برای ابن سینا بخت بلندی داشت؛ چرا که پس از رسیدن وی به همدان، او را برای درمان امیر شمس‌الدوله که بیمار شده بود و تمامی پزشکان از معالجه وی ناتوان بودند، دعوت کردند. بوعلی توانست شمس‌الدوله را معالجه کند و به همین دلیل چنان تقریبی نزد وی پیدا کرد که عهده دار منصب وزارت گردید و مدت چند سال؛ تا هنگام مرگ امیر، عهده دار این وظیفه سنگین بود.

پس از مرگ شمس الدوله بخت از وی روی گرداند و چون از ادامه خدمت در منصب وزارت خودداری کرد، او را به زندان افکندند. در زندان کتاب مشهورش "شفا" را به رشته تحریر درآورد. پس از مدتی توانست از زندان فرار کند و با لباس درویشی از همدان گریخت.

این سینا از همدان به اصفهان رفت که مرکز بزرگی از علم به شمار می رفت و سال ها بود که آرزوی دیدار آنجا را داشت. در این شهر مورد توجه علاءالدوله قرار گرفت و مدت یازده سال با آسایش خاطر در آن شهر زندگی کرد. او در این مدت، چندین کتاب مهم نیز نوشت و حتی به ساختن رصدخانه پرداخت. اما این آسایش برای وی دائمی نبود؛ چرا که یک بار اصفهان در معرض حمله مسعود غزنوی یعنی فرزند سلطان محمود غزنوی قرار گرفت و در این حمله بعضی از آثار مهم این حکیم بزرگ از میان رفت.

این امر ضربه بزرگی برای وی بود و علاوه بر آن، بیماری قولنج نیز آزارش می داد. به همین دلیل، دوباره به همدان بازگشت و به سال 428 هجری قمری و در سن پنجاه و هفت سالگی در این شهر از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد.

این حکیم بزرگ که بعدها مؤثرترین چهره در علم و فلسفه جهان اسلامی شد و القابی مانند شیخ الرئیس، حجة الحق و شرف الملک به او دادند، از آغاز کودکی استعداد و شایستگی عجیبی در فرا گرفتن علوم مختلف داشت.

شخصیت علمی

از 450 تألیف ابن سینا 260 کتاب و رساله در علوم مختلف به جا مانده است که حدود 40 عنوان از آن ها در علم طبی هستند. کتاب "قانون" او در طب چنان جامع و کامل بود که حتی تا سال 1909 میلادی در دانشگاه های اروپایی تدریس می شد.

وی با شیوه های تشریحی و تحلیلی به بررسی اعضای بدن انسان و بیماری ها پرداخته است و با این که بسیاری از دانسته های طبی امروز گسترده تر و متفاوت از دوران ابن سیناست ، اما روشمندی او در این زمینه هنوز الگوی بسیاری از کتب مرجع طبی است. این کتاب در پنج جلد به زبان عربی که زبان علمی آن دوران بوده، نگاشته شده است.

تدریس شفا و قانون در اروپا

"قانون" سه بار به طور کامل و چندین بار به صورت گزیده به زبان لاتین ترجمه شده است و از اوایل قرن دوازدهم میلادی تقریباً در تمام دانشگاه های اروپا کتاب درسی بوده است. در جای جای کتاب، تصاویری از اعضا و استخوان های بدن نیز کشیده شده است. در حال حاضر تنها پنج نسخه کامل عربی از قانون در جهان ثبت شده اند که همگی در کتابخانه های اروپا و امریکا نگهداری می شوند.

بزرگی بوعلی در علوم به حدی است که ویلیام هاروی - کاشف سیستم گردش خون در قرن 17 میلادی - می گوید: «اگر می خواهید به سرچشمه های دانش برسید آثار ارسطو، سیسرو و ابن سینا را بخوانید.» ویلیام اسلر می گوید: «قانون، طولانی تر از هر کتابی مرجع طبی در جهان بوده است.»

با وجود این که زندگی ابن سینا پر از فراز و نشیب بود و در عین حال عمری طولانی نیز نداشت، اما زندگی عقلانی و حکیمانه بسیار پرباری داشت. گواه بر این مطلب، تعداد و نوع آثاری است که او تألیف کرده است و نیز خصوصیات شاگردانی که در نزد او درس خوانده اند؛ مانند بهمنیار و جوزانی.

نیروی تمرکز فکری او عالی بود؛ تا جایی که گاهی در آن حین که سوار بر اسب در رکاب پادشاه عازم جنگ بود، بعضی از آثار خود را املا می کرد تا نویسندگان آن را بنویسند.

او با مهارت عجیبی که در تمامی شاخه های دانش آن زمان داشت، توانست در زمینه فلسفه، اساس مکتب مشاء در سنت فکری اسلامی و نیز اساس فلسفه قرون وسطی را بریزد.

در بستر طب و طبی نیز میراث بقراطی و جالینوسی را ترکیب کند و در علم و ادب اسلامی چنان تاثیر نماید که هیچ کس پیش یا پس از وی نتوانسته باشد آنگونه تاثیر کند.

تاثیر وی در این زمینه ها تا به امروز، در شرق و غرب جهان باقی است و بسیاری از پیشرفت ها در شاخه های عمده دانش، بر پایه نظرات و آرای وی صورت گرفته است.

ابن سینا جانشین فارابی

بوعلی سینا را باید جانشین بزرگ "فارابی" و شاید بزرگترین نماینده حکمت در تمدن اسلامی بر شمرد. اهمیت وی در تاریخ فلسفه اسلامی بسیار است زیرا تا عهد او هیچ یک از حکمای مسلمین نتوانسته بودند تمامی اجزای فلسفه را که در آن روزگار حکم دانشنامه ای از همه علوم معقول داشت در کتب متعدد و با سبکی روشن مورد بحث و تحقیق قرار دهند و او نخستین و بزرگترین کسی است که از عهده این کار برآمد.

وی شاگردان دانشمند و کارآمدی به مانند ابو عبید جوزجانی، ابوالحسن بهمنیار، ابو منصور طاهر اصفهانی و ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی را که هر یک از ناموران روزگار گشتند تربیت نمود.

وی صاحب تألیفات بسیاری است که شفا، نجات، الاشارات والتنبیها، ریاضیات، زاویه، اقلیدس، الارتماطیقی، علم هیئت، المجسطی، جامع البدایع، طبیعی و... از جمله آثار ابن سینا در حوزه فلسفه است و کتابهای قانون، الادویة القلیبیه، دفع المضار الکلیه عن الابدان الانسانیه، قولنج، سیاسة البدن، تشریح الاعض، الاغذیه والادویه و... را می توان از آثار ابن سینا در حوزه طبی نام برد.

ابن سینا نه تنها در حوزه فلسفه و طبی که در وادی شعر و موسیقی نیز صاحب تألیفات و آراء ارزشمندی است که کتاب "جوامع علم الموسیقی" از جمله این تألیفات به شمار می رود. ابن سینا در شعر نیز دستی داشته و اشعار زیادی به زبان عربی سروده است و حتی منظومه هایی مثل قصیده ارجوزه در مسایل علمی ساخته است. اشعاری نیز به زبان فارسی از او روایت کرده اند که برخی از آن ها به نام دیگران نیز آمده است و با توجه به اسلوب و معانی آن ها باید در انتساب این اشعار به ابن سینا تردید روا داشت.

نظر امام خمینی (ره) و شهید مطهری درباره ابن سینا

امام خمینی در شرح حدیثی از امام محمد باقر (ع)، از ابوعلی سینا به عنوان رئیس فلاسفة اسلام

یاد می کنند و نیز در کتاب "چهل حدیث" خود در شرح حدیثی از امام جعفر صادق (ع) که ایشان هم از امیر مومنان علی (ع) نقل کرده اند، از ابوعلی سینا به عنوان امام فن و فیلسوف بزرگ اسلام نام برده اند.

نظر آیت الله شهید مرتضی مطهری درباره ابن سینا: استاد مطهری در کتاب ولادها و ولایتها از شیخ الرئیس ابو علی سینا به عنوان اعجوبه دهر نام می برد. و در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می نویسد: ابو علی حسین ابن عبدالله ابن سینا، اعجوبه دهر و نادره روزگار، شناختنش یک عمر و شناساندنش کتابی بسیار قطور می خواهد. از عمر خیام نیشابوری پرسیدند: درباره اعتراض ابوالبرکات به سخنان شیخ بوعلی چه می گویی؟ گفت: ابوالبرکات قدرت فهم سخنان شیخ را ندارد. پس چه اعتراضی می تواند به شیخ بکند و به نتایج افکار او چه ایرادی می تواند بگیرد. پس از قرن پنجم هر کس می خواست فلسفه بخواند، مجبور بود کتابهای فارابی و ابن رشد و مخصوصا بوعلی سینا را بخواند.

کد خبر «

//
